

پرسش ۵۵۳: چند سوال از تفسیر قرآن و روابط زناشویی

السؤال / ۵۵۳: بسم الله الرحمن الرحيم، اللهم صل على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً.

السلام عليكم ورحمة الله وبركاته، وعظم الله أجوركم باستشهاد الصديقة الطاهرة فاطمة الزهراء صلوات ربي عليها.

پرسش ۵۵۳: بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم صل على محمد و آل محمد الأئمة و المهديين و سلم تسليماً. السلام عليكم و رحمة الله و بركاته، خداوند پاداش شما را در شهادت صديقه‌ی طاهره فاطمه‌ی زهرا(ع) عظیم گرداند.

إلى سيدي ومولاي وأبي يماني آل محمد .. إنه دائماً يراودني شعور بالحزن والقلق وأفكار بالتالي توصلني إلى اليأس.

به سرور و مولا و پدرم، یمانی آل محمد... احساسات، پیوسته مرا به حزن و دل‌واپسی و پریشانی و در نتیجه به یأس و ناامیدی سوق می‌دهد.

سيدي ومولاي، إني أريد منك أي شيء يساعدي على أن أتخلص من هذا الشعور، وأن أكون أهلاً لنصرة محمد وآله باللسان والسنان مكن الله لكم في الأرض سادتي وموالي.

سرور و مولایم! هر چیزی که مرا کمک کند تا از این احساس رهایی یابم را از شما درخواست دارم، و این که برای نصرت محمد و آل او با لسان و سنان شایستگی داشته باشم. ای آقایان من و سرورانم! خداوند شما را در زمین تکمین عطا فرماید!

رسالة أخرى:

نامه‌ای دیگر:

بسم الله الرحمن الرحيم، اللهم صلي على محمد وآل محمد الأمة والمهدين
وسلم تسليماً.

السلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

بسم الله الرحمن الرحيم، اللهم صل على محمد وآل محمد الأئمة و المهديين و
سلم تسليماً.

السلام عليكم ورحمة الله و بركاته.

عظم الله لكم الأجر باستشهاد الصديقة الطاهرة فاطمة الزهراء صلوات ربي
عليها، وعلى أبيها رسول الله(ص) سيد البشر، وعلى بعلمها أمير المؤمنين(ع) سيد
الأوصياء، وعلى بنيتها الحسن والحسين وزينب والأئمة والمهديين(ع)،
وبالخصوص ولدها بقية الله في الأرض ووصيه (مكن الله لهم في الأرض).

خداوند پاداش شما را در شهادت صدیقه‌ی طاهره فاطمه‌ی زهرا(ع) عظیم گرداند؛
دروود خداوند بر او و بر پدرش پیامبر خدا(ص) سید البشر، و بر همسرش
امیرالمؤمنین(ع) سید الاوصیا، و بر دو پسرش حسن و حسین و زینب و ائمه و
مهدیین(ع)، و به خصوص بر فرزندش بقیه الله در زمین و وصی او (که خداوند ایشان
را در زمین تمکین عنایت فرماید).

اللهم العن ظالمیها و غاصبی حقها وحق بنیها و أنصار بنیها، اللهم اجعل لنا
الشرف في نصرتهم باسمك الواحد القهار وبالصلاة على محمد وآل محمد الأئمة
والمهديين وسلم تسليماً.

خداوندا! کسانی که بر حضرت زهرا(ع) ستم کردند و حق او و فرزندان و انصار
فرزندان او را غصب نمودند لعنت کن. خداوندا! در نصرت ایشان ما را شرافت عطا

فرما! به نام نامی ات «واحد قهار» و با صلوات بر محمد و آل محمد الائمه و المهديين و سلم تسليماً.

والحمد لله رب العالمين

و الحمد لله رب العالمين.

إلى سيدي ومولاي يمانى آل محمد(ع)، لديّ بعض الأسئلة، منها:

خطاب به سرور و مولاييم، يمانى آل محمد(ع)، من چند سؤال دارم، از جمله:

قال تعالى: (الزاني لا ينكح إلا زانية أو مشركة والزانية لا ينكحها إلا زان أو مشركاً وحرم ذلك على المؤمنين) [154]، عند قراءتي إلى هذه الآية تداخلني أفكار كثيرة، وأنت تعلم يا مولاي أن للإنسان خفايا كثيراً منها ذنوب الإنسان وأشياء لا نعرفها الله يعرفها، ولا أعرف ماذا تعني هذه الآية: (وحرم ذلك على المؤمنين)، هل هي حرام من الله أم من الإنسان المؤمن؟ اعذرنى يا مولاي على قلة فهمي في صياغة الأسئلة وإني أعلم أنك يا سيدي تعرف قصدي.

خدای متعال فرموده است: (مرد زناکار جز زن زناکار یا مشرک را نمی گیرد، و زن زناکار را جز مرد زناکار یا مشرک نمی گیرد، و این بر مؤمنان حرام شده است) [155]. وقتی این آیه را می خوانم، افکار زیادی در سرم می چرخد و شما ای سرورم، می دانی که انسان، نهفته های زیادی دارد که گناهان آدمی از آن جمله است و چیزهایی که ما نمی دانیم و خدا می داند. من منظور این آیه را که می فرماید: (و این بر مؤمنان حرام شده است) متوجه نمی شوم؛ آیا از طرف خدا حرام است یا از طرف انسان مؤمن؟ سرورم! عذر مرا بر کم فهمی ام در نحوه ی سؤال کردن بپذیر و من می دانم تو ای سرورم، منظورم را متوجه هستی.

في بداية سورة الواقعة لماذا بدأ سبحانه وتعالى بأصحاب الميمنة ولم يبدأ بالسابقين أو أصحاب المشأمة حسب ترتيب الصفات إما بالمقربين أو الضالين كما في نهاية السورة.

در ابتدای سوره‌ی واقعه، چرا خدای سبحان با «اصحاب میمنه» شروع کرده است، نه با «السابقین» یا «اصحاب المشأمة» (اهل شقاوت) بر حسب ترتیب صفات؛ همان طور که در انتهای سوره با «مقربین» یا «ضالین» آمده است؟

في القرآن الكريم وروايات أهل البيت (عليهم صلوات الله أجمعين) كلام عن المرأة، وأسئلتى سيدي:

سرورم! در قرآن کریم و روایات اهل بیت (ع) سخنی درباره‌ی زن هست، و سؤال من این است:

ما هي المشورة التي فيها يجب أن يخالفها الرجل بها؛ لأن دائماً الرجال عندما يكون موضوع وتتكلم به المرأة معهم وتعطي رأيها يقولون شاوروهن واخلفوهن، وهذا يجعل في القلب حيرة وكسرة؛ لأنهم يحتجون علينا بأهل البيت (ع).

آن کدام مشورت است که مرد باید با آن مخالفت کند؟ زیرا همیشه وقتی موضوعی پیش می‌آید و زن‌ها با مردها در مورد آن صحبت می‌کنند و نظرشان را بیان می‌دارند، آقایان می‌گویند «شاوروهن و اخلفوهن» (با زنان مشورت کنید و مخالف آن عمل نمایند). این باعث می‌شود که دل، سرگشته و شکسته شود زیرا آن‌ها با اهل بیت (ع) با ما احتجاج می‌کنند.

سيدي، أريد أن تحکم لنا مدى حدود تكلم وتعامل المرأة مع الأجنبي (غير المحرم)، وكذلك للرجل ومدى تعامله مع الأجنبية (الأنصارية أو غير الأنصارية)، هل هو نفس التعامل من جميع النواحي؟

سرورم! خواهش می‌کنم برای ما حدود سخن گفتن و تعامل داشتن زن با مرد بی‌گانه (نامحرم) را مشخص نمایید. هم‌چنین برای مرد و این که یک مرد با زن بی‌گانه (چه از انصار و چه از غیر انصار) چه مقدار می‌تواند تعامل داشته باشد را بیان دارید. آیا این تعامل در همه‌ی ابعاد و جوانبش می‌تواند باشد؟

هنالك تعاملات عند بعض الإخوة الأنصار مع زوجاتهم فيها كثير من السب والشتم وقد يصل إلى أشياء أخرى نخجل أن نتكلم بها، وكذلك تعاملهم بالضرب معهن وهذا لا أتكلم به عن نفسي ولكن لأشياء واقعة تبعث الحزن في قلوبنا، وأسأل الله أن يوفق إخواني لكل خير وأن يبدلوا هذه التعاملات بتعامل يصل به الأخوات الأنصاريات إلى الله ونصرة محمد وآل محمد باللسان والسنان.

برخی برادران انصار رفتارهایی با زنانشان دارند که با فحش و دشنام زیادی همراه است و بعضی وقت‌ها کار به جاهایی می‌کشد که از بیان آن‌ها خجالت می‌کشیم. هم‌چنین گاهی اوقات زنان‌شان را کتک می‌زنند؛ من این‌ها را از خودم نمی‌گویم بلکه چیزهایی است که اتفاق افتاده و دل‌های ما را به درد آورده است. از خداوند مسئلت می‌نمایم که برادرانم را بر هر خیری موفق بدارد و به جای این برخوردها، رفتاری پیشه کنند که خواهران انصار با آن به خدا برسند و با لسان و سنان محمد و آل محمد را یاری دهند!

يا سيدي ومولاي وقرّة عيني، إن الفرحة لا تسعني؛ لأنكم معنا في هذا الزمان يا سادتي وموالي، والله إني أحياناً لا أصدق نفسي عندما أسمع صوتكم العزيز علينا، ونتمنى من الله بحق الصديقة الزهراء (عليها السلام) أن يجعل لنا الشرف في نصرتم عليكم السلام.

ای سرور و مولایم! ای نور دیده‌ام! خوشحالی‌ام قابل توصیف نیست؛ زیرا در این زمان شما با ما هستید. ای آقایان من و سرورانم! به خدا سوگند من گاهی اوقات باور نمی‌کنم که صدای شما را که نزد ما بسیار ارجمند و عزیز است می‌شنوم. از خداوند

تقاضا داریم که به حق صدیقه‌ی زهرا(ع) ما را به نصرت شما مشرف گرداند. علیکم السلام.

اعذرنی یا سیدی ومولای إن کان منی تجاوز بالكلمات؛ لأنی التقطها بصعوبة
لأنها متزاحمة وأنا مرتبکة.

سرور و مولایم! اگر در کلمات از حد تجاوز کردم، مرا ببخش؛ زیرا من به سختی
آن‌ها را مرتب نمودم؛ زیرا کلمات انبوه‌اند و من آشفته و سرگردان!

اللهم مکن لمحمد وآل محمد وقائم آل محمد عاجلاً غیر آجل بحق فاطمة وأبیها
وبعلها وبنیها والسر المستودع فیها.

خداوندا! به حق فاطمه، پدرش، همسرش، فرزندانش و سرپنهانش، محمد و آل
محمد و قائم آل محمد را در اسرع وقت تمکین عنایت فرما!

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

المرسلة: أم زینب - العراق

والسلام علیکم ورحمة الله و
برکاته.

فرستنده: ام زینب - عراق

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمین، وعلی الله علی محمد وآل محمد الأئمة والمهدیین
وسلم تسليماً.

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الاثمة و المهديين و سلم تسليماً.

أَسْأَلُ اللَّهَ أَنْ يُوَفِّقَكُمْ لَذِكْرِهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى وَقِرَاءَةِ الْقُرْآنِ فَإِنَّ فِيهَا جَلَاءَ لِلْقُلُوبِ وَطَهَارَةَ لِلنَّفُوسِ، فَأَكْثِرِي مِنْ قِرَاءَةِ الْقُرْآنِ وَخُصُوصاً مِنْ قِرَاءَةِ سُورَةِ يَسٍ وَالْوَاقِعَةِ وَآيَةِ السَّخْرَةِ، وَهِيَ: (إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ يُغْشِي اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ * ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ * وَلَا تَفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَادْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِّنَ الْمُحْسِنِينَ) ([156]) لَطْرُدِ شَيَاطِينَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ كِفَاكِ اللَّهُ شَرَّهُمْ.

از خداوند مسئلت می نمایم که شما را بر ذکر خدای سبحان و تلاوت قرآن که در آن صیقل دل ها و طهارت نفس ها است، موفق بدارد! قرآن زیاد بخوان، مخصوصاً سوره ی یس، واقعه و آیه ی سخره را که به شرح زیر است: (پروردگار شما الله است که آسمان ها و زمین را در شش روز آفرید، پس به عرش پرداخت، شب را در روز می پوشاند و روز، شتابان آن را می طلبد و آفتاب و ماه و ستارگان مسخر فرمان او هستند. آگاه باشید که آفرینش و فرمان روابی سزاوار او است. خدا، پروردگار جهانیان، به غایت بزرگ است * پروردگارتان را با تضرع و در نهان بخوانید، زیرا او متجاوزان سرکش را دوست ندارد * در زمین آن گاه که به صلاح آمده است فساد مکنید و خدا را از روی بیم و امید بخوانید و رحمت خدا به نیکوکاران نزدیک است) ([157]) تا شیاطین انس و جن دور شوند که خداوند شر آن ها را از شما باز می دارد.

ج س ۱: (الزَّانِي لَا يَنْكِحُ إِلَّا زَانِيَةً أَوْ مُشْرِكَةً وَالزَّانِيَةُ لَا يَنْكِحُهَا إِلَّا زَانٍ أَوْ مُشْرِكٌ وَحُرْمٌ ذَلِكَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ) ([158])، لا يزني الزاني وهو يزني وهو مؤمن إنما يخلع عنه ثوب الإيمان، فإن ندم وتاب عاد إليه إيمانه، فالتحريم بالآية على الزاني والزانية المشهورين بالزنا ولم تظهر منهم توبة فهو لاء يحرم مناكتهم.

پاسخ سؤال ۱ - (مرد زناکار جز زن زناکار یا مشرک را نمی‌گیرد، و زن زناکار را جز مرد زناکار یا مشرک نمی‌گیرد، و این بر مؤمنان حرام شده است) ([159]). زناکار، در حال زنا، مؤمن نیست بلکه جامه‌ی ایمان از او کنده می‌شود؛ اگر پشیمان شود و توبه کند، ایمانش بازمی‌گردد. تحریمی که در آیه آمده مربوط به مردان و زنان زناکاری است که به زنا مشهورند و توبه‌ی آنها آشکار نشده است. ازدواج با این عده حرام است.

وفقكم الله، وقد بيّنت هذا الأمر في الشرائع وهذا هو النص من كتاب الشرائع: (ولا يجوز الزواج من المشهورة بالزنا إلا أن تظهر توبتها).

خداوند شما را توفیق دهد! من این موضوع را در «شرايع الاسلام» توضیح داده‌ام و این متن از کتاب شرايع است: «ازدواج با زنی که به زنا شهرت دارد جایز نیست، مگر این که توبه‌اش را آشکار نماید».

ج س ۲: ربما أنت اشتبهت بالسؤالين في بداية السورة (فَأَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ مَا أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ * وَأَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ مَا أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ) واعتقدت أنه بدأ بأصحاب الميمنة في حين أنه بدأ بالمقربين وبين حالهم (وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ * أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ * فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ ...) ثم أصحاب اليمين وبين حالهم (وَأَصْحَابُ الْيَمِينِ مَا أَصْحَابُ الْيَمِينِ * فِي سِدْرٍ مَّخْضُودٍ ...) ثم أصحاب الشمال وبين حالهم (وَأَصْحَابُ الشَّمَالِ مَا أَصْحَابُ الشَّمَالِ * فِي سَمُومٍ وَحَمِيمٍ ...) وكذا في نهاية السورة.

پاسخ سؤال ۲ احتمالاً شما درباره‌ی دو سؤال‌ی که در آغاز سوره هست، دچار اشتباه شده‌ای: (... یکی اهل سعادت، اهل سعادت چه حال دارند؟ دیگر اهل شقاوت، اهل شقاوت چه حال دارند؟) و گمان نموده‌ای که سوره‌ی واقعه با اصحاب اهل سعادت آغاز شده، حال آن‌که این سوره با مقربین شروع شده و وضعیت آن‌ها را توصیف کرده است: (آن‌ها که سبقت جسته بودند و اینک پیش افتاده‌اند، اینان مقربانند، در بهشت‌های پر نعمت ...).) سپس اصحاب یمین و وضعیت آن‌ها را بیان نموده است: (اما اصحاب سعادت، اصحاب سعادت چه حال دارند؟ در زیر درخت سدر بی‌خار...) آن‌گاه به توصیف اصحاب شمال و وضعیت آن‌ها پرداخته است: (اما اصحاب شقاوت، اصحاب شقاوت چه حال دارند؟ در باد سموم و آب جوشانند...) و همین‌طور در پایان سوره.

أما السؤالان في بداية السورة عن أصحاب اليمين وأصحاب المشأمة وترك السؤال عن المقربين فهو لبيان شرف المقربين وعلو شأنهم وأنهم أغنياء عن السؤال عن حالهم أو بيان حالهم، ولذا بدأ سبحانه مباشرة ببيان حالهم دون السؤال عنه.

این‌که در ابتدای سوره، دو سؤال درباره «اصحاب الیمینه» و «اصحاب المشأمة» آمده و از مقربین سؤال‌ی مطرح نشده است، برای بیان عظمت و شرافت مقربین و بلندی مقام و مرتبه‌ی آن‌ها است؛ و این‌که آن‌ها بی‌نیاز از آن هستند که درباره‌ی وضعیت‌شان سؤال‌ی مطرح شود یا وضعیت ایشان تبیین و توصیف گردد. لذا خداوند سبحان به‌طور مستقیم و بدون این‌که در این مورد سؤال‌ی مطرح نماید، به بیان وضعیت آن‌ها پرداخته است.

أ: من السفه أن نقول استشر شخصاً لتخالفه، بل هو من قلة الأدب، وليس كل ما روي عن أهل البيت (ع) صحيحاً، فهناك من أخطأ في النقل عنهم، وهناك من تقصد الافتراء عليهم ليسيء لهم، وما وجدتموه يخالف القرآن وخلق القرآن فأكيد أنه لم يصدر من أهل البيت (ع)، بل هو نقل خاطئ أو مصحف أو أنه كلام مفترى عليهم (ع).

پاسخ سؤال ۳ الف: این از سفاهت است که بگوئیم با کسی مشورت کن و بر خلافش عمل نما!؛ حتی این کار از کم ادبی است! این گونه نیست که تمام آنچه که از اهل بیت (ع) روایت شده است، صحیح باشد. گاهی اوقات کسی در نقل مطلب از آنها اشتباه کرده است و گاهی اوقات کسانی هستند با هدف اهانت نمودن به آنها، نسبت دروغ به ایشان داده اند. هرچه را که دیدید با قرآن و خلق قرآن مخالف است، قطعاً از اهل بیت (ع) صادر نشده است؛ بلکه یا نقل اشتباه آمیز است یا تحریف شده و یا کلامی است که به دروغ به این بزرگواران منتسب گشته است.

ب: الكلام بين المرأة والرجل جائز، ولكن المفروض أن يكون الكلام لسبب صحيح ومقبول، كالعمل والإرشاد، ولا يكون كلاماً عبثياً ولأجل الكلام فقط.

ب: سخن گفتن بین زن و مرد جایز است ولی باید کلام برای غرضی درست و مقبول باشد مانند کار یا راهنمایی کردن و این گفت و گو نباید از روی بی هوذگی و شوخی و صرفاً برای هم کلام شدن باشد.

ج: الزوج والزوجة هما شخصان اقتربنا بعقد، فأكيد أنهما ليسا شخصاً واحداً، بل هما اثنان وبالتالي لا بد أن يكون بينهما اختلاف وافتراق في أمور كثيرة، وهذا يحتاج للصبر وتحمل كل واحد منهما للآخر، ولا بد من المودة والرحمة بين الزوجين لتستمر حياتهما معاً، وإلا فالصدام بينهما هو مؤشر على فشل أحدهما أو فشلهما الاجتماعي معاً، ولهذا حث الله

سبحانه و تعالیٰ آن یتدخل بعض افراد المجتمع القریب منهما وهم أهله وأهلها لإرشاد الزوجین ونصحهما وحل المشاكل التي سببت الخلاف بينهما، قال تعالیٰ: (وَإِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَابْعَثُوا حَكَمًا مِّنْ أَهْلِهِ وَحَكَمًا مِّنْ أَهْلِهَا إِنْ يُرِيدَا إِصْلَاحًا يُّوفِّقِ اللَّهُ بَيْنَهُمَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا خَبِيرًا) ([160]).

ج: زن و شوهر دو نفر هستند که به وسیله‌ی عقد، همسر و مصاحب یکدیگر گشته‌اند؛ بنابراین تأکید می‌شود که اینان یک نفر نیستند بلکه دو نفرند و به طور طبیعی وجود اختلاف و تفاوت در بسیاری از موارد، بین آن‌ها حتمی است، و این به صبر نیاز دارد و این که هر یک دیگری را تحمل کند (و نسبت به او شکیبایی ورزد). بین زوجین باید مهر و محبت و مهربانی برقرار باشد تا زندگی مشترک آن‌ها با هم استمرار یابد و گرنه اصطکاک و کشمکش بین این دو، نشانه‌ای از ناتوانی و شکست اجتماعی یک، یا هر دوی آن‌ها است. بر همین اساس خدای سبحان برای حل مشکلاتی که به اختلاف و ناسازگاری بین زن و شوهر منجر می‌شود و نیز برای ارشاد و توجیه این دو، تشویق کرده است که برخی افراد جامعه که نسبت به ایشان قرابت دارند، یعنی خانواده‌ی شوهر و خانواده‌ی زن، در موضوع مداخله و وساطت نمایند. خدای متعال می‌فرماید: (اگر از اختلاف میان زن و شوی آگاه شدید، داوری از خانواده‌ی مرد و داوری از خانواده‌ی زن برگزینید اگر آن دو را قصد اصلاح باشد، خدا میان‌شان موافقت پدید می‌آورد که خدا دانا و آگاه است) ([161]).

أما استخدام الزوج الضرب مع الزوجة فهو محرم وغير جائز إلا في النشوز، وهذه حالة خاصة وهي امتناع الزوجة عن فراش الزوجية، ولا يجوز أن يكون الضرب مبرحاً، وقد جعل الله لها مثل هذا وهو حرمة امتناع الزوج عن فراش الزوجية.

این که مرد بخواهد همسرش را کتک بزند، کاری است حرام و جز در «نشوز» جایز نمی‌باشد؛ این حالت خاصی است که به امتناع زن از هم‌خوابگی معنا می‌شود. ضربه

هم نباید شدید باشد. خداوند برای زن نیز نظیر همین (حق) را قرار داده که عبارت است از حرام بودن امتناع شوهر از هم‌خوابگی با زن.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

أحمد الحسن - منتصف شعبان / ۱۴۳۱ هـ

و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

احمد الحسن - نیمه شعبان / ۱۴۳۱ هـ.ق.



[154] - النور: 3.

[155] - نور: 3.

[156] - الأعراف: 54 - 56.

[157] - اعراف: 54 تا 56.

[158] - النور: 3.

[159] - نور: 3.

[160] - النساء: 35.

[161] - نساء: 35.